

روایت دیگر داستان کوتاه ۳۰

لبخند پشت پنجره

نویسنده
حسین غنی زاده



کتابهای سیمرغ
وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه: عباسزاده، حسین، ۱۲۵۸-

عنوان و نام پدیدآور: لبخند پشت پنجره/ نوشته حسین عباسزاده.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، کتابهای سیمرخ، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۵۴ ص.

فروست: روایت دیگر، داستان کوتاه؛ ۲۰.

شابک: 978-964-00-1556-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴.

ردیف: ۱۳۹۲ ج ۲ ۲۵۶۳ ب ۸۱۴۸ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۶۲/۳

شابک ملی: ۳۱۹۹۷۸۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۵۵۶-۸



کتابخانه سیمرخ

و به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

لبخند پشت پنجره

© حق چاپ: ۱۳۹۲، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

نویسنده: حسین عباسزاده

طراح یونيفرم جلد: رضا زواری

طراح جلد: حسین وهابی

حروف متن: میترا ۱۳ روی ۱۶ پوینت

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان ابن سینا (بهار)، ۸۸

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۱	مقدمه
۱۳	اشک‌ها و ...
۳۷	یک زن
۳۰	لجنه پشت پنجره
۳۷	بال‌های کاغذی
۴۳	آن سوی پنجره‌ها
۴۵	چشمان خیس اشک
۵۱	مردان زیر باران

سخن ناشر

دندان من به خون کشیدم و جبهه‌های جنگ شتافتند، و آن‌ها که ذوق و شوقی برای نوشتن نداشتند، دیدند که همان آغاز جنگ قلم به دست گرفتند و بدون برنامه از پیش‌بینی‌شده نخستین داستان‌های جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را آفریدند. دشمن همان جنگ‌دیده از نخستین ماه‌های وقوع تجاوز به خاک ایران اسلام را برای اجرای عظیم و فرسوی حیات متعارف پرتاب شدند، و نخستین گام برای خلق داستان در این تجربه‌ی سترگ و در این وادی کشف و شهود معناها و شعور ایمانی و ارمانی در زندگی فردی و جمعی خود در جبهه‌ها و پشت‌بازارها، بخش بزرگی از شبه‌داستان‌ها، داستان‌های کوتاه و بلند در آن روزگار و فضای برخی الزام‌های برآمده از غیرت دینی و میهنی نوشته می‌شد، و در تالاب میان شتاب وقوع بی‌وقفه حوادث و ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی در چهارچوب ساده‌ترین تعریف‌های داستان محدود می‌ماند تا با روبرو شدن با یک هدف یعنی رساندن «پیام»، وظیفه نویسنده عجلتاً انجام شود. دیدن گرفتن آن تلاش‌ها، ندیدن صداقت و تعهد شماری از نویسندگان برخاسته از هشت سال حماسه عظیم جانانه رزمندگان و ملت ایران است.

اکنون با گذشت آن روزها و فاصله گرفتن از آن دوران مجال لازم برای

روایت کل مجموعه آن رویداد بزرگ و درک هرچه دقیق‌تر و روشن‌تر جزء به جزء آن حماسه عظیم فراهم آمده است، و در گوشه و کنار کشور شاهد تلاش خلاق داستان‌نویسان جوان و نوqlمان باذوق و هوشمندی هستیم که تعهد، درک، جستجو و تکنیک را با هم آمیخته‌اند تا دربارهٔ نمانه‌های هشت سال دفاع مقدس آثاری ارزشمند حول مضمون‌های مربوط به جنگ و دفاع مقدس خلق نمایند. مجموعه «روایت دیگر» با ورود به حلقهٔ داستان، داستان کوتاه، نمایشنامه، فیلمنامه و نقد ادبی دفاع مقدس نگرهای تازه در مقابل خواننده می‌گشاید تا نویسندگان جنگ دیده را در کنار همزمان با آنان نویسندهٔ امروزی قرار دهد. و با همراه شدن با این داستان‌نویسان جنگ دیده و جنگ دیده - و ارج نهادن به شور و شوق آفرینشگرانهٔ آنها می‌تواند چند اندک در نشر داستانی و هنری حماسه‌های جاودانه دفاع مقدس را درآید.

مقدمه

آخرین باری که پدرم بهار بود، توی حیاط بازی می کردیم بوی
آش رشته توی خانه پیچیده بود.

مادر صدامش را به پدرم می برد و پدرم خواب دیرینه اش تا بسند آتش
جلویمان گذاشت، عموی دادا که شش ساله کی پوشیده بود و یک کیف
مشکی دستش بود صورتمان را به او بعد رفت مادر می گفت این آتش
پشت پای عمویه. پرسیدم عمو که رفت مادر به درخت گل محمدی
نگاه کرد و گفت: جنگ...